

امپراطوری شیطان



جاناتان جونز، منتقد تاریخ هنر،
روزنامه گاردین، چاپ لندن
پنجشنبه 8 سپتامبر 2005

ترجمه: مهرداد بامدادان-شیراز

Jonathan
Jones



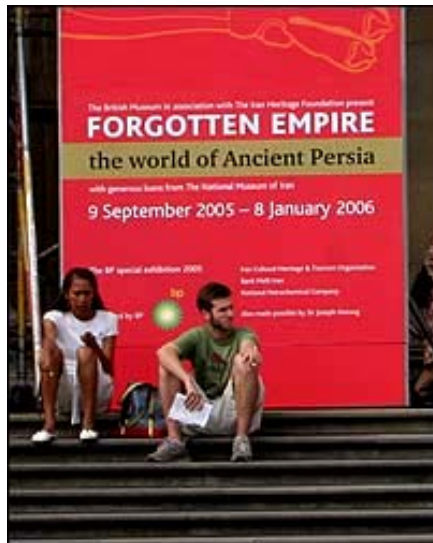
پادشاهان پارس جنایتکاران بزرگ طول
تاریخ بوده اند!
آیا نمایشگاه بریتیش میوزیوم امروزه قصد
دارد آنان را عادل نشان دهد؟!

http://www.guardian.co.uk/arts/features/story/0,11710,1564733,00.html#article_continue

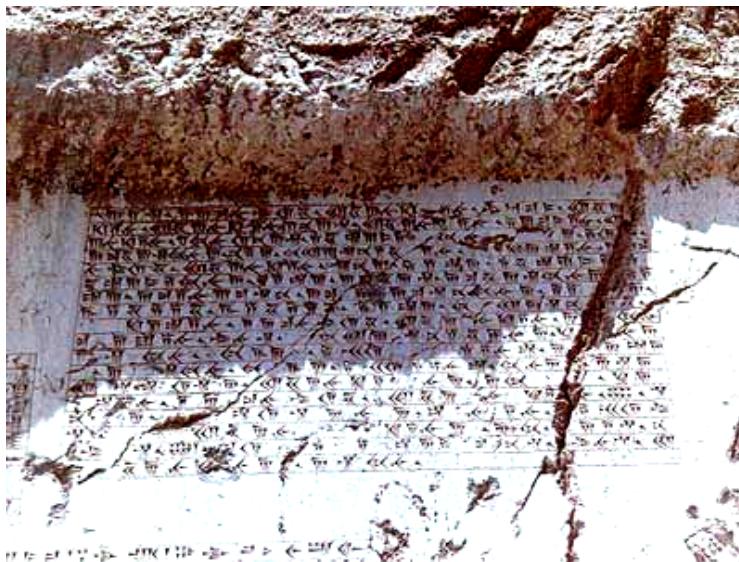
Thursday September 8, 2005

امپراطوری فراموش شده، عنوان این نمایشگاه گمراه کننده است.

هدف از برپایی این نمایشگاه احیای عظمت خارق العاده امپراطوری قدیم ایران عنوان شده، در حالیکه شواهد تاریخی در موزه های Sherriff, Darth Vader, General Custer در ناتینگهام و بسیاری دیگر، پادشاهان هخامنشی را مظهر امپراطوری شیطان نشان می دهند که باید با احتیاط از آنها یاد کرد. آنان جنایتکاران اصلی تاریخ و مایه ننگ بشریت اند.



از اواسط سده 500 پیش از میلاد تا هنگام شکست داریوش سوم از اسکندر در سال 331 قبل از میلاد، امپراطوری هخامنشی در قسمت پهناوری از نیل تا ایندوس حکمرانی می کردند که افغانستان تا مدیترانه را شامل میشد. بر خلاف دیدگاهها، آنان قدرتمند بودند، در قصرهای عظیم در شوش و پارس پلیس فرمانروایی می کردند، با فرهنگها و مذاهبهای مختلف مدارا نمی کردند و از تمدن شرق که نقشی در ایجاد آن نداشتند سوء استفاده می نمودند.



پیش از آنها خط نوشتاری و سبک زندگی خاور نزدیک پدید آمده بود و آنان با بهره جستن از این آثار عظیم سعی داشتند تا خود را جاودانی سازند. اما در آن زمان نیز نام پادشاه کبیر دوران، اسکندر، طنین انداز گردید. پادشاهان هخامنشی از تخت رفیع پادشاهی خود مناطق آشوب زده مرزهای غربی امپراطوری را مشاهده میکردند و در همان حین یونانیها در پی جبران مافات بودند.

این نکته بسیار مهم را نباید از نظر دور داشت که هخامنشیان عامل نا امنی سایر دولتها بوده اند. همچنین بر خلاف تصور عام، اروپانیان اولین تمدن بشری را بنیان نهاده اند، بلکه این مشرقیان و نه هخامنشیان هستند که بنیانگذار آن بوده اند. خط نوشتاری در خاورمیانه ابداع شد، اما تاریخ توسط یونانیها ابداع گردید. هردوت پدر تاریخ از موضوع حماسه برای نشان دادن تلاش ایالت یونان در آن زمان برای غلبه بر امپراطوری پارس و جنگ برای آزادی و رهایی بهره گرفت.



هردوت این نظریه را نقل کرده که دموکراسی زاینده نبرد یونانیان با استبداد پارس (هخامنشی) می باشد. صدر پادشاه هخامنشی-کوروش- که با استبداد بر رعایا حکومت میکرد، با تکیه بر قدرت پوشالی خویش در تصرف آنی یونان کوچک برآمد، لکن به طور غیر منتظره ای با مقابله به مثل یونانیها مواجه شد. حال ایرانی ها باید به خاطر بیاورند که مردانی با صورتهای عجیب در نبرد ماراتون با یونانی ها شکست خفت باری خوردند.



درباره نبرد ماراتون هردوت نقل کرده است که در این نبرد یونانیها جز کشت و کشتار وحشیانه از هخامنشیها ندیدند و در پرتو این نبرد، یونانیها هویت مدنی خویش را باز یافتند. بطور تلویحی، تمام تئوریهای سیاسی غرب - از

محکومیت سنت دیکتاتوری آتلانتیک تا کاریکاتوری که مارکس از استبداد شرقی ارانه کرده است - بر خلاف روح پارس (هخامنشی) تعریف گردیده است. با پیروزی یونانیها، هخامنشیان به طرزی قابل ترحم و سرزنش آمیز در حافظه جهان حک شدند.



توصیف بسیار واضحی از امپراطوری در این نمایشگاه ارانه نشده و تنها یک موزائیک نمایش داده میشود که در پمپئی یافت شده است. این اثر امروزه در موزه باستان شناسی ناپل نگهداری میشود و بر پایه تصویر مفقوده اسکندر کبیر در جنگ ترسیم شده است. آشفتگی و بهم ریختگی اسبهای سربازان هخامنشی، نیزه ها و زوبین های پراکنده به وضوح قابل رویت است.



در نبرد با اسکندر، داریوش تنها و بی کس بوده و بر ارابه اش ایستاده، صورتش مانند یک خرگوش ترسیده، سربازانش نیز مثل داریوش وحشت زده هستند. این نقاشی ها توسط نقاشان چیره دست و بر اساس نوشته های مورخان کشیده شده و در طول قرن های متمادی باز آفرینی شده است. این موزائیکها اینک قرن ها بعد از دوران طلایی قصر پمپئی و پس از سقوط داریوش کشف شده اند. فیلم اسکندر کبیر هنوز هم در گیشه ها از فروش خوبی برخوردار است.



تمامی آثار این نمایشگاه درباره امپراطوری فراموش شده درصدد احیای این امپراطوری و بازگشت به مبداء تاریخی بوده و به نوعی سوءاستفاده از باستان شناسی در جهان سیاست محسوب میشود. هر شیء موجود در این نمایشگاه یک موفقیت دیپلماتیک برای {جمهوری اسلامی} ایران است. شاید شما به این امر توجه نکرده باشید که پرشیای قدیم در حال حاضر ایران نامیده می شود. این اشیاء پیش از تغییر دولت در ایران و از طریق مذاکره مجدد در آخرین لحظات قرض گرفته شده اند. انتظار داشتم که دیدار از نمایشگاه آموزنده باشد، چرا که با فرهنگ فراموش شده دیگری سالها پس از سقوط و اضمحلال آن آشنا می شوم، اما چنین نشد. این آثار جز لاطائلاتی همانند آثار تلویزیونی آگاتاکریستی نبود. در این میان، آثار این نمایشگاه به طور فاحشی با تبلیغات آکادمی سلطنتی متفاوت هستند و نمی شود به آنها افتخار کرد!

هر چه که بیشتر می اندیشم می بینم که می توانم به شما قول دهم از دیدن نمایشگاه خرسند نخواهید شد. شما با خنجر های طلانی و ارابه ها مواجه خواهید شد و صحنه ای از تاریخ هخامنشی را مشاهده خواهید کرد؛ لکن در اولین فرصت از نمایشگاه خارج خواهید شد، چرا که وقتتان بیش از این ارزش دارد!



موزه بریتانیا می خواهد فقط با نمایش قشنگ امپراطوری پرشیا به ما بقبولاند که حیثیت این امپراطوری توسط یونانیها لکه دار شده است.

می خواهد بپذیریم که این امپراطوری شیطنی واقعاً شیطنی نیست و فقط توسط مورخان یونانی(مانند اکثر مورخان پارس که حکومت های بیش از هخامنشیان را بد نام کرده اند) بد نام گردیده است. تفاوت حقیقی بین نسخه یونانی و نسخه ای که پیش روی ما قرار گرفته این است که در نسخه یونانی، شرارت ذاتی پارسها جلب توجه میکند.

درباره پادشاهان هخامنشی، تعداد همسران، سربازان، وزیران و هزاران موضوع مهم چیزی ارائه نشده است و از ذکر حقیقتها بسیاری اجتناب گشته و در این نمایشگاه نمیتوانید از این حقایق آگاه شوید، فقط می توانید جنگجویان را به صورت نیمرخ باریشهای مرتب ببینید.



هردوت درباره عکس العمل داریوش هخامنشی در مقابل حمایت یونانیان از شورش های آسیای صغیر می گوید که وی تیری در کمان نهاد و به هوا پرتاب کرد و فریاد زد ای خدا، از من پذیرا باش، چرا که باید یونانیها را تنبیه نمایم.



هرودت

میتوان به افکار حقیقی پادشاه هخامنشی در لوح گلی قصر شوش پی برد. عالیجناب داریوش پادشاه گفت: اهورا مزدا که نیرومندترین خدایان است مرا آفرید، مرا پادشاه شما گردانید پادشاهی این سرزمین را برای من اعطا نمود، بزرگ، صاحب قهرمانان ورزیده، صاحب مردان خردمند و...



گفته می شود استوانه معروف به حقوق بشر کوروش جعلی است

این خیال پردازی یونانی درباره سلطانی بهم ریخته، اندوهگین و طالب کمال، بقدری دراماتیک است که از عهده هر آدمیزادی برآید.

همین مقایسه بین یونانیها و هخامنشیها اجتناب ناپذیر است. وقتی شما تعمق می کنید، در این نمایشگاه با سوء استفاده های زیادی از آثار تاریخی مواجه میشوید. بر خلاف انتظار ایرانی ها در قرن 19 کلکسیونری از قالب های گچ برجسته یافت شد که در مورد ویرانی قصر پرس پولیس ایجاد شبهه می کند. تمامی این موارد تا هنگامی که سفری فانتزی به ایران نداشته باشید غیر قابل فهم هستند.

لذت بردن از این باز آفرینی مشکوک آثار هخامنشی بسیار سخت و آزار دهنده است. می توانید افرادی که خراج می دهند ببینید، اعدادی که ارائه شده اند فقط عدد و رقم هستند و مبنای علمی ندارند و نمی توان به آنها اعتماد کرد، حتی مجسمه های شگفت انگیز از شیرها و سگهای سنگی سیاه نگهبان که از تهران به این مکان آورده شده اند، لذت بخش نیستند.

در اصل این کار برای رسانه ها در جهت اهداف خاص متعدد انجام شده است. میتوان ادعا کرد که روزنامه ها طی هفته جاری خواهند نوشت: هخامنشیان بزرگترین تمدن تاریخ بشری را بنیان نهادند!

چرا انگلستان برای برپایی این نمایشگاه انتخاب شده است؟

میتوانید به Elgin Marbles رفته و کتیبه پارتنون Parthenon را که پس انهدام وحشیانه کاخ آکروپولیس یونان توسط هخامنشیان ایجاد شده بنگرید. این شاهکار یونانی مملو از احساس و الهام از قهرمانانی است که به قدرت رسیده اند و گوساله ای ماده که باید قربانی شود.

اوج هیجان هنر ایرانی (هخامنشی) در کجاست؟ زیبا و عالیست. در آرامش و سکوت عجیبی قرار گرفته است. می توانید آجرهای سنگی و پیکره های نگهبانان قصر را مشاهده کنید.

این تحسین متعادل است.

نکته ای که باید ذکر شود این است در اصل این نوع از آجرهای لعابدار تزئین شده متعلق به امپراطوری هخامنشی نیست. این آثار از امپراطوری بابل الهام گرفته شده اند و پس از غلبه هخامنشی بر امپراطوری بابل آثار هنری آنها مورد تاراج هخامنشیان قرار گرفته است.

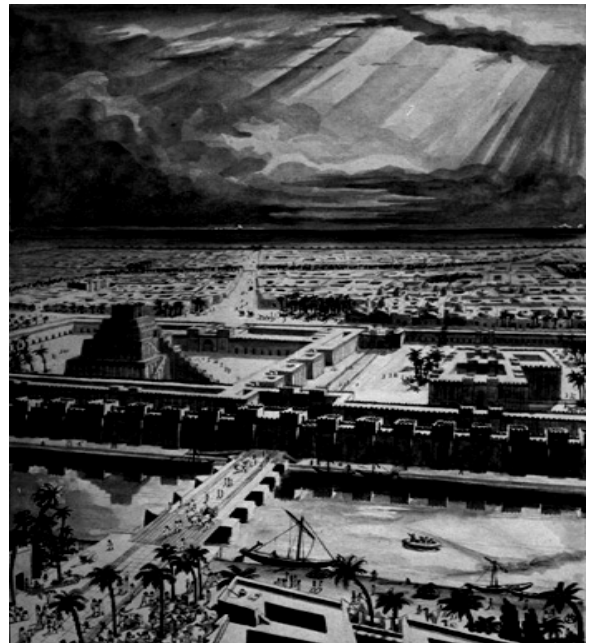
از حماقت ماست که چنین آثاری به نام هخامنشیان معرفی شده اند.

موزه بریتانیا ریسک بزرگی انجام داده تا ما را در مورد تاریخ جعلی هخامنشی و در مورد تمدنهایی که مبداء شرقی دارند و در خاورمیانه شکل گرفته اند سر در گم کند و هخامنشیان را بعنوان بانی و موسس تمدنی که صاحب آن نبوده اند معرفی نماید.





هخامنشیان توانستند با غلبه بر امپراتوری های آشور و بابل جدید و از بین بردن تمام آثار هنری و ابداعات آنان با نسخه برداری از این آثار، آثار جدیدی خلق نمایند. پس از دوران طلایی حکومت های آشور و بابل حکومت سلسله هخامنشی شروع شد و ما شاهد معرفی آثار نفیس این امپراطوریهها به نام هخامنشیان هستیم. این آثار با توجه به وسعت بسیار زیاد نمیتوانند به نام هخامنشی نوشته شوند. در یک گردش ساده در موزه شاهد این امر را بوضوح مشاهده کرد.



تمدن عظیم بابل..... تمدن شگفت انگیز سومر

سلسله هخامنشی در راه جعل آثار فرهنگی و تاریخی حکومت های مغرب و آشور و بابل کوشش زیادی کرده بودند. در کشور مصر، پادشاهان هخامنشی در ظاهر به خدایان مصری ادای احترام میکردند، لکن تمامی مدیترانه شرقی و از جمله متصرفات یونان تحت حاکمیت آنها آسیمیله شد و در باطن تمامی این احترامات پوچ بودند. در این رابطه تنها یک دسته سیو از جنس نقره و برنز که به شکل بز کوهی و برگرفته از اساطیر یونان ساخته شده، کشف شده است. هیچ کس نمیداند که پارسها واقعا چه فکری در سر داشتند؛ آیا عجیب نیست که در یک

دنیای باستانی آکنده از خدایان متعدد – از اوسیریس تا زئوس و یهوه – تنها یکی از خدایان با هدایای مذهبی بسیار مورد احترام قرار گرفته باشد؟

این آثار باستانی بوضوح آثار امپراطوری خویش را در درون دارند و هیچ کس نمیتواند مطمئن باشد که این آثار متعلق به هخامنشیان است. هنوز هم با نگاهی اجمالی میتوان متوجه شد که ایرانیها تمایل دارند عقاید خویش را در تاریخ جعلی هخامنشی به ما بقبولانند.

از دیدن اشیا مورد علاقه آنها شگفت زده خواهیم شد. آنها دوست داشتند که زندگی اشرافی داشته باشند. ظروف نوشیدنی بسیار ارزشمندی وجود دارند که از جنس شاخ گاو و با اندود نقره و طلا تهیه شده اند.



میتوان سبک زندگی اشرافی هخامنشی را فهمید.

با دیدن الگوی طلا حس اشمزاز از این تفاوت در زندگی مردم عادی (رعایا) و پادشاهان هخامنشی در بیننده بوجود می آید.

حدس میزنم که این نمایشگاه بر باستان شناسی تاثیرگذار باشد، چرا که میتوان گفت در این نمایشگاه تاریخ مجعول در برابر علم باستان شناسی قد علم کرده است.

مورخ یونانی مینویسد که هخامنشیان آثار باستانی سنگی را دوباره مرمت کرده و به نام خود جا زده اند؛ لکن این نکته را نباید فراموش کرد که در نهایت، تاریخ برنده خواهد شد. تغییراتی که امپراطوری هخامنشی در آثار باستانی پیش از خود بوجود آورده کاملاً مشهود است. این تغییرات را در کاخهای مجلل یا در کوچکترین اشیاء بر جای مانده میتوان مشاهده کرد.

این حکومت خودکامه منهزم شد، همچنانکه هرودوت گفته بود...



Copyright 1991 by Matjaz Vrecko / Tsunami Bay Gallery